

راهنمای بهبود اجرای آموزش توسط معلمان

این مطلب خلاصه‌ای است از فصل ۴ کتاب:
supervision for today's schools

نوشته: پیتر اف. الیوا

ترجمه: دکتر غلامرضا احمدی و سعیده شهبابی

مراحل اجرای آموزش

از قدیم مرسوم بوده که معلم طرح درس داشته باشد زیرا طرح درس به معلم کمک می‌کند تا:

۱- به دانش‌آموزان بگوید که چه چیزی را قرار است به آنها بگوید.

۲- (آن چیز را) به آنها بگوید.

۳- به آنها بگوید که به آنها چه گفته است.

سخن‌ان قدیمی همانند داستان‌های قدیمی، گاهی اوقات طنینی از حقیقت دارد. امروزه ما عقیده خود را به زبان فنی تری بیان می‌کنیم، اما این دستور قدیمی خیلی دور از واقعیت نیست. ما به جای جمله پیش پا افتاده «به آنها بگوید» می‌خواهید به آنها چه بگویید، عبارت «جلب توجه» را به کار می‌بریم و به جای «به آنها بگوید» کلمه «شرح دادن» را به کار می‌بریم و به جای عبارت «به آنها بگوید» به آنها چه گفته‌اید، کلمه «خاتمه درس» را به کار می‌بریم.

اجرای آموزش عبارت از انتخاب منابع و انتخاب و اجرای راهبردهای تدریس است.

انتخاب منابع و تصمیم درباره راهبردها بخشی از مرحله طراحی است در حالی که به جریان در آوردن منابع و راهبردها مرحله واقعی اجرا و ارایه آموزش است. کار انتخاب منابع و برنامه‌ریزی‌های اساسی قبل از ارایه آموزش، این مفهوم را که فرآیند تدریس یک پیوستار است تقویت می‌کند. هیچ تقسیم دقیقی بین برنامه‌ریزی و اجرا، بین برنامه‌ریزی و ارزشیابی و بین اجرا و ارزشیابی وجود ندارد. هر یک از اجزای الگوی تدریس در دیگری وارد می‌شود و در راستای جزء دیگر حرکت می‌کند.

انتخاب منابع

عدم توافق در امور مالی مدرسه بیشتر از هر جای دیگر در زمینه منابع آموزشی مشاهده می‌شود. منابعی که در اختیار معلم قرار دارد به طور عمده از

یک استان به استان دیگر، از یک شهر به شهر دیگر، و حتی از یک مدرسه به مدرسه دیگر تفاوت می‌کند. بعضی از مدارس فقط یک سری امکانات اولیه را در اختیار دارند در حالی که مدارس دیگر مقادیر معتناهی مواد و تجهیزات آموزشی در اختیارشان است که بعضی از آنها در انبار مدرسه بدون استفاده باقی مانده است. تعداد کمی از مدارس یک مرکز مواد کمک آموزشی دارند تا در طول سال تحصیلی به کمک وسایل دیداری - شنیداری، تدریس و آموزش را پشتیبانی کنند.

یکی از وظایف عمده معلم تعیین منابع موجود برای مقاصد آموزشی است. کار اصلی راهنمای آموزشی کمک به معلم در تخصیص، به دست آوردن و تولید منابع آموزشی است. تعدادی از معلمان نمی‌دانند که اگر این منابع را در اختیار داشته باشند اثربخش‌تر خواهند بود. کار انتخاب منابع دوطرفه است. اولاً معلمان باید از منابعی که در اختیار دارند به طور مؤثر استفاده کنند، در ثانی باید از منابعی که موجود است، اما به ظاهر دیده نمی‌شود اطلاع پیدا کنند. حتی ضعیف‌ترین کلاس‌ها منابعی را هر چند محدود در اختیار دارند. بیشتر کلاس‌ها به طور طبیعی یک تخته سیاه، تابلو اعلانات، کتاب‌های درسی، فرهنگ لغت و نقشه و کره جغرافیایی دارند. در بعضی از کلاس‌ها از این وسایل قدیمی‌بارزش می‌توان استفاده مؤثرتری نمود.

یکی از اولین کارهای معلم جدید در نظام آموزشی کشف مواد کمک آموزشی و تجهیزات موجود نه فقط در مدرسه بلکه در اداره می‌باشد. راهنمای آموزشی می‌تواند از طریق تهیه فهرستی مکتوب از منابع موجود، محل آنها و راه به دست آوردن آنها، به این فرآیند سرعت بخشد.

معلمان باید ویرای محدودیت‌های مدارس عادت فکر کردن را در دانش‌آموزان رشد دهند. بعضی

از شهرها از نظر منابع آموزشی غنی‌تر هستند، اما به هر حال تمام شهرها قادرند زمینه تجربیات آموزشی اصلی و مهم را برای جوانان فراهم نمایند. این عقیده قدیمی را که فقط آن دسته از تجربیات آموزشی که در چهار دیواری مدرسه روی می‌دهند اهمیت دارند، باید رها کنیم و این عقیده منطقی را پرورش دهیم که باید کل جامعه به عنوان محیط درس و مدرسه به حساب آید. راهنمای آموزشی می‌تواند تلاش کند تا با توسعه منابع کمکی و تشویق معلمان برای استفاده کامل از منابع موجود، موانع سنتی بین مدرسه و اجتماع را از بین ببرد. یکی از روش‌های مفید برای افزایش استفاده از منابع محلی، بازدیدهای علمی سازمان یافته از دیدنی‌های شهر برای معلمان است. این اقدام به معلمان فرصت می‌دهد تا اطراف خود را، یعنی جایی که دانش‌آموزان از آنجا می‌آیند ببینند و نقاطی را که در آینده ممکن است در آموزش به آنها کمک کند مشخص کنند.

معلمان باید به منابع انسانی هم مانند منابع غیرانسانی توجه کنند. باید افراد و گروه‌های داخل و خارج از مدرسه را که ممکن است بتوانند در ارایه موضوعات خاص به آنها کمک کنند، شناسایی نمایند. افرادی که تجربه‌های منحصر به فرد و مرتبط با موضوعات درسی دارند باید به کلاس دعوت شوند یا کلاس‌هایی در اختیارشان گذاشته شود تا تجربیات خود را با دانش‌آموزان در میان بگذارند. امروزه هم والدین و هم دیگر مردم محلی حاضرند تا داوطلبانه به مدارس کمک کنند. به طور مثال متخصصان بازنشسته می‌توانند خدمات ارزشمندی در رشته مربوط به خود انجام دهند. آنها اغلب علاقه‌مندند که دانش و مهارت‌های خود را در اختیار جوانان قرار دهند.

بعضی از برنامه‌های آموزشی خلاق می‌تواند

فرآیندی است حیاتی برای بقای حیات در روی کره زمین، قبل از اینکه باگیرندگان بر اصول این محتوا مسلط شوند چگونه می توان آنرا در بین دروس جای داد؟ راه حل های متعددی از ذهن معلم می گذرد:

۱- از یادداشت های خود در یک سخنرانی استفاده نماید.

۲- یک سخنرانی آماده کرده و از پروژکتور برای ترسیم چرخه نیتروژن استفاده کند.

۳- یک سخنرانی آماده کرده و از جداولی که معلم یا دانش آموزان قبلی و یا مراکز مواد کمک آموزشی تهیه کرده اند، استفاده کند.

۴- یک فیلم درباره چرخه نیتروژن نشان دهد.

۵- از دانش آموزان کلاس بخواهد که کتاب درسی را باز کنند و در بخش چرخه نیتروژن مطلب مربوط به آن را بلند بخوانند. معلم می تواند مطالب کتاب را با سؤالات شفاهی دنبال کند تا بداند آیا شاگردان مفهوم را درک کرده اند.

۶- یک راه دیگر برای مورد قبلی این است که شاگردان کتاب را باز کنند و معلم مطلب را برای آنها بخواند (یک روش متداول که مدهاست در بسیاری از کلاسها انجام می شود).

۷- محتوا را از طریق طرح سؤال هایی مانند: نیتروژن چیست؟ آیا در هوا نیتروژن بیشتر است یا اکسیژن؟ آیا حیوانات، باکتری ها و گیاهان سبز در چرخه نیتروژن نقش دارند، نقش های آنها چیست؟ ارائه دهد. همچنین معلم می تواند از دانش آموزان بخواهد که چرخه نیتروژن را در کتاب درسی و یا کتاب های مرجع به عنوان کار کلاسی یا تکلیف درسی مطالعه کنند. شاگردان یافته های خود را به کلاس گزارش می دهند.

۸- سخنرانی می کند و از شاگردان می خواهد که پس از سخنرانی چرخه نیتروژن را رسم کنند.

۹- از کتاب راهنما برای تدریس محتوا استفاده می کند.

۱۰- یک کمیته برای مطالعه چرخه نیتروژن تعیین می کند تا گزارشی را تهیه کنند و به کلاس ارائه دهند.

۱۱- یک بسته کود شیمیایی کوچک را به کلاس بیاورند (مثلاً کود آلی ۶-۶-۶). در کلاس باید درباره تفاوت کود آلی و غیر آلی بحث کنند. معلم می تواند برای آنها برچسب روی بسته را توضیح دهد که ۶-۶-۶ به معنی ۶ درصد نیترات، ۶ درصد فسفات و ۶ درصد پتاس است. معلم ضرورت وجود این مواد شیمیایی را برای رشد گیاهان شرح می دهد، بحث نیترات را به چرخه نیترات که بعداً در کلاس بحث خواهد شد ارتباط می دهد.

۱۲- ضمن انجام تجربه و آزمایش با گیاهان در حال رشد در کلاس، دانش آموزان را هدایت می کند تا چرخه نیتروژن را ظرف مدت زمان معین مطالعه کنند. آب و کود شیمیایی مناسب به گیاهان مختلف داده می شود؛ به بعضی از گیاهان آب کافی و کود شیمیایی ناکافی داده می شود؛ به بعضی از گیاهان آب کافی می دهند اما کود شیمیایی نمی دهند و دانش آموزان ضرورت تغذیه گیاهان را مشاهده می کنند.

۱۳- دانش آموزان کلاس را برای یک گردش علمی به مزرعه ای می برد که در آن گاو، کود، گیاهان سبزی و گیاهان در حال خراب شدن وجود

از مسیرها پر ترافیک تر از بقیه است، بعضی از خیابان ها ترافیک کمتری دارد و بعضی از خیابان ها بغیر از ساکنان اطراف برای دیگران ناشناخته است. راهبردهای یادگیری راههای انفرادی و شخصی است که یادگیرنده محتوای مورد یادگیری را درونی می سازد و به عبارت دیگر موضوع را یاد می گیرد. بعضی از یادگیرنده ها موضوع درسی را خلاصه می کنند به طوری که بتوانند نکات آن را در یک توالی منطقی دریا بیاورند. بعضی ها کلمات یا جملاتی را به عنوان نکات کلیدی و اصلی یادگیری حفظ می کنند یا جمله های جالب و منحصر به فرد می سازند که از هر طرف بخوانی یکی است و هیچ محصولی آن را فراموش نمی کند.

بعضی از دانش آموزان کلمات واقعی و غیر واقعی را که فقط برای خودشان معنی دار است برای کمک به یادآوری مطالب درسی با یکدیگر ترکیب می کنند. بعضی از شاگردان یک مطلب کلی را به سرعت می خوانند بعد بر می گردند و بخش ها را با عمق بیشتر مطالعه می کنند. بعضی از دانش آموزان در مورد محتوایی که در حال مطالعه آن هستند، برای خودشان برنامه پرسش و پاسخ ترتیب می دهند و از خودشان سؤال می کنند و پاسخ می دهند. کلیه این موارد راهبردهای یادگیری است نه راهبردهای تدریس. استفاده از کلمه «راهبرد» در این مطلب به معنای راهبرد تدریس یا آموزش است و معادل شیوه، فرآیند، روش، فن، حالت، یا تاکتیک فرض شده است.

راهبرد تدریس را می توان به عنوان دستورالعمل یا مجموعه ای از دستورالعمل ها برای استفاده از منابع تعریف نمود که نمودارهای اصلی فرآیند آموزشی را گسترش می دهد (معلم و یادگیرنده). با در دست داشتن این تعریف می توان راهبردهای زیادی را که راهنمای آموزشی می تواند به معلمان توصیه کند، فهرست نمود. (جدول ۲)

این فهرست کامل نیست اما نشان دهنده آن است که راهبردهای متعددی وجود دارد که معلمان می توانند در ارائه محتوا استفاده کنند. در بسیاری از این راهبردها امکان تغییر و اصلاح وجود دارد. کار مشکل در انتخاب این راهبرد یا آن راهبرد بیشتر در اطمینان حصول منافع برای یادگیرنده است. فرض کنید یک معلم دبستان می خواهد به کمک توضیحات، دانش آموزان را در درس علوم با مفهوم چرخه نیتروژن آشنا کند و این چرخه فرآیندی است که در آن نیتروژن تغییر می کند. نیتروژن ها و نیترات ها برای تغذیه گیاهان سبز تشکیل می شوند و نیتروژن به حالت اولیه خود بر می گردد و این

دانش آموزان را به خارج از محیط مدرسه و به داخل اجتماع بکشاند و خدمات داوطلبانه هنرمندان، بازرگانان، بانکداران، فروشندگان، کشاورزان، نویسندگان و دانشمندان را در اختیار آنها قرار دهد تا مکمل برنامه های درسی سنتی شود.

معلمان معمولاً کتابخانه ها، موزه ها و نمایشگاه های هنری را به عنوان منابع تجربیات آموزشی دانش آموزان در نظر می گیرند. اما بجز در رشته آموزش فنی و حرفه ای اغلب تجربیات ناشی از فروشگاه ها، بانک ها، تعمیرگاه ها، بیمارستان ها، زندان ها، نمایندگی های بیمه، یا دفاتر مسافرتی را نادیده می گیرند.

مدرسه در سالهای اخیر گام های بلندی در زمینه ایجاد مشارکت با بخش بازرگانی و صنعت در جامعه برداشته اند. از طریق این مشارکت، بخش بازرگانی یا صنعت با یک مدرسه خاص همکاری می کند تا سطح آموزشی دانش آموزان آن مدرسه را بالا ببرد. راهنمایان آموزشی باید این گونه پیوندها را که برای مدرسه مفید می باشد، توسعه و ارتقا دهند.

راهنمای آموزشی می تواند به معلمانی که در فرایند انتخاب منابع درگیر هستند توصیه کند تا فهرستی نظیر فهرست بالا را برای ارزشیابی و انتخاب منابع آنها به کار ببرند.

واضح است که منابع باید در ارتباط با اهداف از قبل تعیین شده باشند، زیرا منابع ابزاری هستند که یادگیرندگان را به مقصد می رسانند، بدون شک همه اتفاق نظر دارند که منابع باید طوری انتخاب شوند که با توانایی ها، سطح سنی، و علائق یادگیرندگان مطابقت داشته و در صورت امکان محرک و برانگیزاننده باشند. معلم در عین اینکه باید به منابع کلاسی به صورت یک کل توجه داشته باشد، لازم است در جست و جوی منابعی که متناسب بعضی افراد گروه است نیز باشد. بعضی از مطالب درسی باید نسبتاً آسان و بعضی مشکل باشند. بعضی از مطالب باید انضمامی و بعضی دیگر بیشتر انتزاعی باشند. منابع انتخاب شده هر چه باشند - اعم از رسانه ها یا افراد مرجع - همگی باید دانش دقیق و مرتبط را در اختیار دانش آموزان قرار دهند.

انتخاب راهبرد

هنگامی که معلم برای ارائه محتوا به دانش آموزان، مسأله انتخاب راهبرد (استراتژی) را در نظر می گیرند، این عبارت را به خاطر می آورند که: «چگونه باید تدریس کنم؟ اجازه دهید راه های مختلف را بشماریم...» راههای راهبردی زیادی پیش روی آنهاست. مانند خیابان های شهر، بعضی

جدول (۱)

فهرست مورد استفاده در انتخاب منابع	بله	خیر
۱- آیا منابع مستقیماً به اهداف مربوط می شود.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲- آیا منابع در حد توانمندیهای یادگیرندگان است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳- آیا منابع در حد سن یادگیرندگان در نظر گرفته شده است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۴- آیا منابع مورد علاقه یادگیرندگان است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۵- آیا منابع برای توجه به تفاوت های فردی به حد کافی متنوع است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۶- آیا منابع دقیق و به روز است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۷- آیا منابع عاری از هر گونه تعصب و جهت گیری خاص است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸- آیا منابع به راحتی در اختیار یادگیرندگان قرار می گیرد.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۹- آیا منابع برای یادگیرندگان هزینه ای در بر ندارد.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

داشته باشد. معلم در حین کار به چرخه نیتروژن اشاره می‌کند.

۱۴- کلاس را به گروه‌های مشارکتی کوچک با مسئولیت‌هایی برای کمک به یکدیگر در تسلط بر محتوای مانده می‌کند.

چگونه معلم می‌تواند بفهمد کدام یک از راهبردها مؤثرتر خواهد بود؟

معلم می‌تواند به طور تصادفی یک راهبرد را انتخاب و آن را آزمایش کند. اگر این راهبرد مؤثر نبود، راهبردهای دیگر را امتحان کند تا راهبرد مناسب را بیابد. کلیه معلمان تا حدودی یک روش آزمایش و خطا را دنبال می‌کنند، آنها یک راهبرد را که ظاهراً مؤثرتر به نظر می‌رسد مشاهده و انتخاب می‌کنند. این معلمان ثابت می‌کنند که تجربه بهترین آموزگار است. طی سالها آزمایش و خطا آنها یاد گرفته‌اند که کدام راهبرد تحت چه شرایطی مؤثرتر است.

اگرچه تا زمانی که یک روش معین در کلاس مورد آزمایش قرار نگیرد نمی‌توان مطمئن شد که به خوبی جواب می‌دهد، اما اگر راهنمای آموزشی به معلم کمک کند تا روش‌های ساده‌ای نظیر آنچه در اینجا آمده است را ارائه دهد، میزان موفقیت وی را افزایش خواهد داد.

۱- راهبرد باید دقیقاً مناسب باشد: معلم باید سطح سنی و علایق دانش‌آموزان را در نظر بگیرد و از سطوح پیشرفت یادگیرندگان نیز مطلع باشد.

۲- راهبرد دقیقاً باید با ویژگیهای معلم متناسب باشد: هر معلمی شخصیتی منحصر به فرد دارد. عده‌ای از معلمان در بعضی از شرایط به خوبی عمل می‌کنند و در بعضی خوب عمل نمی‌کنند.

بعضی از معلمان طبع لطیفی در ارائه نمایشی محتوا دارند، در حالی که عده‌ای دیگر بیشتر واقعیت‌ها را مطرح می‌کنند. عده‌ای از معلمان برونگرا و بعضی درونگرا هستند. بعضی‌ها در یک موضوع خاص زمینه و مهارت بیشتری دارند. معلمان باید از نقاط قوت و ضعف خود آگاه باشند. معلمان هر راهبردی را که انتخاب کنند باید مطابق با مهارت‌ها، دانش، ارزش‌ها و شخصیت آنها باشد.

۳- راهبرد باید دقیقاً مطابق با موضوع درسی باشد: این دستورالعمل آنقدر واضح و

روشن است که به نظر نمی‌رسد قابل تردید باشد. وقتی معلمان از منابع قدیمی استفاده می‌کنند از این دستورالعمل تخطی کرده‌اند. معلمان در انتخاب منابع چاپ شده و منابع دیگر که احتمالاً کهنه و دارای مطالب صحیحی نیستند باید دقت کافی داشته باشند و این وظیفه معلم است که بین مطالب آموزشی مختلف که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تفاوت قایل شود.

۴- راهبرد باید دقیقاً متناسب با زمان ارائه باشد: میزان کار، پیگیری، بازنگری، مطالعه مستقل و پژوهش درباره یک موضوع درسی بستگی به اهمیت نسبی آن و زمان اختصاص داده شده به آن دارد. بعضی از روش‌ها زمان بیشتری می‌گیرد و حرکت آن آهسته‌تر است. مطالعه عمیق، بیش از یک بررسی سطحی به زمان نیاز دارد.

۵- راهبرد باید دقیقاً متناسب با منابع موجود باشد: تصمیم‌گیری در مورد استفاده از کتابهای مرجع برای جست و جوی یک موضوع، مربوط به در دسترس بودن آن کتاب‌هاست. بهترین فیلم یا نوار ویدئویی در صورت نبودن وسیله‌ای که آنها را نشان دهد بی‌فایده است.

۶- راهبرد باید دقیقاً متناسب با امکانات باشد: یک راهبرد ممکن است نیاز به آزمایشگاه مواد آموزشی، تجهیزات و فضای مناسب داشته باشد.

۷- راهبرد باید دقیقاً در راستای اهداف باشد: شاید مهمترین دستورالعمل این باشد که باید تناسب مستقیمی بین راهبردها انتخاب شده و اهدافی که راهبرد برای رسیدن به آن طراحی شده است وجود داشته باشد. راهنمایان آموزشی با تحلیل‌های دوره‌ای و بحث درباره این هفت دستورالعمل می‌توانند به معلمان کمک کنند تا مهارت انتخاب راهبردهای مناسب را رشد دهند و از فرآیند غیر اقتصادی آزمایش و خطا بپرهیزند.

ارایه درس

اهداف کلی نوشته شده‌اند، اهداف اختصاصی بیان شده‌اند، تکالیف تحلیل و تشریح شده است، منابع و راهبردها انتخاب شده‌اند، مهارت‌های آغازین یادگیرندگان ارزیابی شده است، طرح واحد درسی تهیه شده است، اولین طرح درس نیز نوشته شده است و مراحل فرآیند طراحی مشخص شده

جدول (۲)

گزارشهای شفاهی	سخنرانی
گزارشهای مکتوب	بحث
انواع تمرینات	بررسی تمرینهای کتاب درسی
رسانه‌های شنیداری	از حفظ خواندن درس
رسانه‌های دیداری	گروه‌بندی براساس توانایی
آزمایشگاه	موفقیت یا علاقه
آموزش برنامه‌ای	سؤال کردن
سفرهای علمی	اکتشاف
آزمونها	بازی و نقش
تکالیف شب	استفاده از دانش آموزان برای کمک به یکدیگر
مطالعه مستقل	حل مسأله

کادر (۲)

است. فرآیند اجرا شروع می‌شود.

هنگامی که معلم قدم به کلاس می‌گذارد، برنامه‌ریزی‌های از قبل انجام شده، او را در موقعیت خوبی قرار می‌دهند، و احساس اعتماد به نفسی در وی ایجاد می‌کنند که هر کسی خواهان آن است. آیا هیچ معلم با تجربه‌ای می‌تواند اولین باری را که در مقابل گروهی از دانش‌آموزان به تنهایی برنامه اجرا کرده فراموش کند؟

حتی می‌توان گفت که معلم نمایش بی‌صدایی را شب قبل از هر درس اجرا می‌کند تا عملاً هر درس را مرور کند و ببیند طرح درس مناسب است یا نه. هر قسمت طرح درس باید بررسی شود تا جزئیات آن به روشنی در ذهن تثبیت شود. معلم فهرستی از مواد آموزشی و تجهیزات لازم را تهیه و سعی می‌کند مسائلی را که احتمالاً با آن رو به رو می‌شود پیش‌بینی کند.

البته در عمل معلمان بر هر درس قبل از ارایه آن مرور کامل نمی‌کنند. آنها برای بررسی‌های وقت‌گیر وقت کافی ندارند، اما یک بررسی کوتاه یا بررسی خلاصه و سریعی انجام می‌دهند. احتمالاً در هر واحد درسی وقت بیشتری برای طرح درس در جلسه اول کلاس صرف می‌نمایند و در طول واحد درسی و از درسی به درس دیگر وقت کمتری صرف مطالعه قبل از کلاس می‌کنند. ارائه درس هر روز باز خوردی برای مرور اصلاحات طرح درس روز بعد فراهم می‌کند. راهنمای آموزشی لایق و قابل‌ای که به معلم برای آموزش طراحی کمک می‌کند، حالا باید به معلم کمک کند تا طرح‌ها را به عمل در آورد.

راهنمای آموزشی با درکی که از یک جلسه بازدید به دست می‌آورد برایش زیاد مشکل نیست که بفهمد آیا معلم طراحی آموزشی را انجام داده است یا نه. مدارک زیادی در کلاس وجود دارد که هر بازدید کننده دقیق می‌تواند ببیند:

● آیا طرح نوشته شده قابل مشاهده وجود دارد و معلم به آن مراجعه می‌کند؟

● آیا معلم اعتماد به نفس دارد؟

● آیا مشخص است که یادگیرندگان چه اهدافی را باید دنبال کنند؟

● آیا معلم اهداف آموزشی را به یادگیرندگان اطلاع داده است؟

● آیا فعالیت‌های روزانه جریان دارد؟

● آیا زمانهایی یافت می‌شود که کار سازنده‌ای در آن صورت نگیرد؟

● آیا یادگیرندگان سرگرم انجام تکالیف سازنده هستند؟

● آیا معلم برای اداره کلاس به تکالیف سازنده در کلاس متوسل می‌شود یا به تهدید و توبیخ و سرزنش؟

● آیا مواد آموزشی و تجهیزات لازم در دسترس و آماده استفاده هستند؟

● آیا معلم بی‌برنامه کار می‌کند، از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرد، یا فعالیت‌های یادگیری را بیش از زمان لازم به درازا می‌کشاند؟

● آیا معلم پس از آنکه مشخص شد محتوا را کلیه یادگیرندگان کاملاً یاد گرفته‌اند تکرار می‌کند؟

راهنمای آموزشی با تجربه می‌تواند تأیید کند که طراحی مناسب هم در رفتار معلم و هم در رفتار

و تصاویری که ممکن است واکنش لازم را ایجاد کند ارائه دهد. نمونه‌هایی از آرز خارجی می‌تواند به عنوان شروع یک واحد درسی درباره پول بین‌المللی و بانکداری استفاده شود. ثابت شده است که نمودارهای هندسی سه بعدی که قابل جدا شدن و جمع شدن هستند در شروع واحدهای درسی و ریاضی مفید می‌باشند.

اگر آوردن اشیاء فیزیکی به کلاس غیر ممکن و غیر عملی است، می‌توان از تصاویر، اسلاید یا فیلم استریپ استفاده نمود تا آمادگی لازم ایجاد شود.

تأثیرات شنیداری نیز می‌تواند به اندازه تأثیرات دیداری مؤثر باشد. نوارهای ضبط شده از صدای شخصیت‌های مشهور به یادگیرندگان کمک می‌کند تا درباره شخصیت‌های گذشته به عنوان افرادی واقعی و نه افسانه‌ای فکر کنند. به کمک انتخاب علاقه نوارهای موسیقی یا شعر یا نمایشنامه می‌توان جلوه خاصی در کلاس به وجود آورد. هدف معلم این است که انگیزه‌های کافی فراهم کند تا دانش‌آموزان، با علاقه درگیر مطالعه موضوع درسی شوند.

یک روش ساده برای ایجاد کنجکاوی روشی است که معلمان استفاده می‌کنند و یک کلمه یا عبارت نا آشنا را روی تخته می‌نویسند و از دانش‌آموزان می‌خواهند که درباره آن فکر کنند.

کلمات مهمی که آشنایی کمی با آن دارند مغز را آزار می‌دهد. معلم می‌تواند اسید دی اکسید ربیونوکلئیک را با عجله روی تخته سیاه بنویسد و از دانش‌آموزان بخواهد که آن را تعریف کنند. بعضی از دانش‌آموزان باهوش امکان دارد بدانند یا حدس بزنند که این اسید همان DNA عنصر پیچیده‌ای است که در کروموزم وجود دارد. از اینجا معلم می‌تواند به واحد درسی وراثت و ژنتیک وارد شود. کلمات و اسامی نا آشنا و مهم در کلیه رشته‌های درسی یافت می‌شوند. روش نوشتن چنین کلماتی بر روی تخته سیاه که سؤال و بحث را پیش می‌کشد روشی ساده و مؤثر در ارائه یک درس است.

معلم ممکن است صحنه‌ای را به نمایش بگذارد که حتی باعث وحشت یادگیرندگان شود. برای ارائه واحد درسی روان شناسی معلم می‌تواند چند دقیقه اول کلاس دانش‌آموزان را سرزنش کند، آنها را کودن و احمق بخواند و بگوید که بدترین کلاس هستند و هیچ آینده خوبی برای آنها پیش‌بینی نمی‌کند. آنگاه معلم با یک لبخند می‌تواند آنها را از اسرار کار مطلع کند که فقط یک بازی نمایشی بود تا نکته‌ای روشن گردد. از آنها می‌پرسد که در پایان این سخنرانی چه چیزی دستگیرشان شد. انواع موقعیت‌های بازی و نقش را می‌توان به کمک معلمان، والدین و دانش‌آموزان تدارک دید. البته معلم نمی‌تواند برای ارائه هر درس به طور ثمربخش از وسایل نمایشی استفاده کند. پس از آنکه یک واحد درسی شروع شد، روش‌های متداول برای شروع درس تنظیم خواهد شد. هر درس باید با طراحی قبلی ارائه شود حتی اگر فقط تبیین و شروع درس مربوط به درس روز قبل باشد. بعضی از روش‌های متداول تر ارائه درس در زیر آمده است.

۱- تبیین دلایل مطالعه محتوا: معلم به

را می‌گذرانند؟ آیا اگر به دانش‌آموزان کلاسی که امتحان را خوب نگذرانده‌اند، گفته شود ورقه‌های بدی داشته‌اند، عکس‌العمل مثبتی نشان خواهند داد؟ آیا حضور و غیاب توجه آنها را جلب می‌کند و یادگیری را جالب جلوه می‌دهد؟ آیا عبارت معلم که «قرار است درباره آتشفشان‌ها مطالعه کنیم» کافی است که یادگیرندگان را برانگیزد تا موضوع درس را دنبال کنند؟

معلمان باید عنصر نمایشی یا ضمیمه نمایشی را در قسمت مقدمه وارد کنند. آنها باید از خود سؤالهایی بپرسند، نظیر «چه روش یا شیوه کاری می‌تواند علاقه دانش‌آموزان را جلب کند؟» درباره دانش‌آموزانم چه می‌دانم تا آنها را بزرگ کنم و وادار نمایم که بخواهند این مطالب را یاد بگیرند؟

روش‌های ایجاد آمادگی می‌تواند بیشتر شخصی باشد. عده‌ای از معلمان بعضی از روش‌ها را بهتر اجرا می‌کنند و برای نمایش تقریباً استعداد ذاتی دارند. عده‌ای ارایه کارهای نور را ابزار مفیدی در برخورد با کودکان و نوجوانان می‌دانند. راهنمای آموزشی نباید انتظار داشته باشد که هر روز درس جواهر درخشانی باشد و معلمان در ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان موفق باشند. اما راهنمای آموزشی می‌تواند انتظار داشته باشند که معلمان بیش از اشارات و علامات تلاش کنند تا یادگیرندگان را در چهارچوب ذهنی صحیح برای مطالعه مطالب درسی قرار دهند. دستورالعمل‌های متعددی وجود دارد که هر معلم می‌تواند برای ایجاد آمادگی از آنها پیروی کند. اگر معلم نتواند کلیه یادگیرندگان را در وضعیت ذهنی دریافت مطالب قرار دهد حداقل می‌تواند آنها را در مسیر صحیحی هدایت کند.

معلم می‌تواند مقاله‌ای را از یک مجله جدید یا نسخه‌ای از روزنامه درباره موضوع درسی بیاورد و برای کلاس بخواند، اگر این مقاله بحث‌انگیز باشد خیلی بهتر است. استفاده از یک داستان نوشته شده در روزنامه بلافاصله نشان دهنده این است که موضوع درسی درباره زندگی روزانه دانش‌آموزان بوده است و یک مسأله همه گیر می‌باشد. گزارشی از کشف ضایعات پنبه نسوز در آب آشامیدنی یک شهر در یکی از دریاچه‌های بزرگ ممکن است علاقه دانش‌آموزان را به مطالعه درباره دریاچه‌های بزرگ (قبل از اعلام معلم درباره اینکه امروز می‌خواهیم دریاچه‌های بزرگ را مطالعه کنیم) برانگیزد. چنین مقاله‌ای نه فقط در واحد درسی جغرافیای دریاچه‌های بزرگ، بلکه در یک واحد درسی آب یا دیگر آلودگیها می‌تواند ارائه گردد. جدولی از مقاله یک مجله که چرخه بورس سهام و ارز را نشان می‌دهد، می‌تواند برای ارائه در واحد درسی بورس سهام و ارز و یا در درس رسم نمودار استفاده شود. هر چه مقاله بجا و به موقع باشد بهتر است. این واقعیت که ممکن است بعضی از دانش‌آموزان قبلاً این مقاله را خوانده باشند، نیز بر تأکید این مسأله کمک می‌کند که آنچه مطالعه می‌کنند برای مدرسه و معلم اهمیت دارد. این روش می‌تواند گذشته و آینده را همانند زمان حال مورد توجه دانش‌آموزان قرار دهد.

معلم می‌تواند درسی را با اشیاء واقعی تدریس، مانند اشیاء فیزیکی یا مطالب آموزشی قابل لمس

دانش‌آموزان در طول ارایه یک درس تغییراتی ایجاد می‌کند.

شروع درس

معلم ماهر می‌داند که مسأله شروع یک درس به کلمات مقدماتی و اولیه یک قصه گو شباهت دارد. قصه گو می‌داند که توجه و علاقه خواننده باید در آغاز داستان برانگیخته شود. داستان گوی ماهر و مسلط می‌داند که چگونه توجه خواننده را در چند جمله اول جلب نماید.

یک نویسنده سعی می‌کند در آغاز یک داستان توجه یا علاقه خواننده را برانگیزد و چارچوبی خاص در ذهن او ایجاد کند. نویسنده به دنبال تأثیر گذار بر خواننده است تا به طریقی به پیام پاسخ دهد و مایل به مطالعه بیشتر شود. شک و تردید او را تحریک می‌کند که به خواندن ادامه دهد و گاهی به جایی می‌رسد که نمی‌تواند تا اتمام کتاب آن را زمین بگذارد.

معلم نیز باید یادگیرندگان را به صورت مشابهی در یک چارچوب ذهنی قرار دهد تا محتوای درس را دریافت و پیگیری کنند. معلم می‌خواهد علاقه یادگیرندگان را تحریک کند و موجب شود، آنها مطالب بیشتری را بخواهند. معلم می‌خواهد محتوای درسی آینده را برای یادگیرندگان جالب کند و ایده‌هایی در زمینه رابطه بین محتوای بعدی و محتوای قبلی و ایده‌هایی در زمینه ارتباط آنها با یادگیرندگان و زندگی ایشان به آنها بدهد. در زمان طراحی (برنامه‌ریزی)، معلم باید راه‌های ایجاد علاقه دانش‌آموزان را سازماندهی کند.

بعضی از متخصصان روش‌هایی را که یک معلم به کار می‌گیرد تا یادگیرندگان را در چارچوب ذهنی دریافت کننده قرار دهد «مقدمه و آمادگی» (Set induction) نامیده‌اند. «مقدمه و آمادگی» یک واژه آموزشی است که برای نامیدن روش‌های مختلفی که معلم برای جلب توجه دانش‌آموزان، برانگیختن علاقه آنها و وادار ساختن آنها برای دریافت بیشتر آموزش به کار می‌گیرد، استفاده شده است.

همگی ما در کلاس‌هایی بوده‌ایم که اقدامات آغازین معلم عقیم شده است. از کارهای آغازین و اولیه کلاس زیر چه عکس‌العمل‌هایی را می‌توان انتظار داشت؟

- «صفحه ۱۱۳ کتابتان را باز کنید.»
- با انجام حضور و غیاب، پنج دقیقه از وقت ارزشمند کلاس را می‌گیرید.
- «بسیار خوب، امروز نوبت کیست که گزارش بدهد؟»
- با توزیع برگه‌های تصحیح شده امتحانی، معلم اظهار می‌دارد که «برگزاری این امتحان نتیجه خوبی نداشته است.»
- «دانش‌آموزان عزیز، امروز می‌خواهیم درباره آتشفشانها صحبت کنیم.» آنگاه معلم سریع به سوی طرح درس می‌رود.
- دفاتر تمرین را بردارید و مسائل صفحه ۳۰ را حل کنید.

از یادگیرندگان چه نوع آمادگی ذهنی باید انتظار داشت؟ آیا آنها با بی میلی فقط یک روز دیگر

دانش آموزان می‌گویند که چرا این محتوا برای آنها اهمیت دارد و چگونه ممکن است در زندگی روزانه آنها مفهوم پیدا کند. بعضی از محتواها بر این مبنا که نیازهای فوری و بلند مدت دانش آموزان را برآورده می‌سازد به راحتی قابل توجیه است. بعضی دیگر ضمن اینکه به سختی قابل توجیه‌اند اما مهم هستند و متأسفانه بعضی از آنها اصلاً قابل توجیه نیستند و بهتر است از برنامه درسی حذف شوند.

۲- مروری بر درس روز گذشته: این کار را می‌توان به راههای مختلف انجام داد معلم می‌تواند مطالب روز قبل را خلاصه کند و بگوید که ارتباط آن با درس امروز چیست. می‌توان از یکی از دانش آموزان خواست تا آنچه را روز گذشته در کلاس یاد گرفته بیان کند. معلم می‌تواند براساس درس روز گذشته سؤالاتی را مطرح کند و ببیند که دانش آموزان چه میزان مطالب را درک کرده‌اند. گاهی اوقات فقط چند دقیقه برای مرور مطالب کافی خواهد بود. اما گاهی اوقات لازم است کل کار روز قبل تکرار شود تا مطمئن شوند که دانش آموزان محتوا را کاملاً یاد گرفته‌اند.

۳- تحلیل نتایج آزمون که روز قبل گرفته شده است: اگر روز قبل آزمون یا امتحانی گرفته شده و به برگه‌ها نمره داده شده است، معلم باید برگه را فوری برگرداند و بررسی کند. آزمون باید به عنوان وسیله‌ای برای یادگیری و مروری بر درس‌ها استفاده شود. معلم باید به دانش آموزان نشان دهد که کجا اشتباه کرده‌اند و چگونه باید آنها را تصحیح کنند. راهنمای آموزشی باید به معلم کمک کند تا روش‌های مؤثری را برای شروع درس‌ها به کار گیرد و به معلم بازخورد دهد که روش‌های آرایه درس از نظر دانش آموزان چگونه بوده است. راهنمای آموزشی باید معلم‌ان را از این واقعیت آگاه کند که نیمی از موقعیت معلم در گرو جذب علاقه دانش آموزان است.

میانۀ درس

هنگامی که معلم احساس می‌کند کلاس چهارچوب ذهنی صحیحی را به دست آورده وارد متن درس می‌شود. کلمه «احساس می‌کند» در اینجا نه فقط درباره آرایه درس بلکه در ارتباط با کل فرایند تدریس مورد تأکید است. اگر چه فرایند تدریس باید در حد امکان علمی باشد، اما هنوز بخش اعظم تدریس یک هنر است. بخش زیادی از تدریس کاملاً ابتکاری است. به طور مثال نمی‌توانیم بگوییم که ایجاد آمادگی باید پنج دقیقه اول هر کلاس را اشغال کند. معلم برای اینکه بداند یادگیرندگان چه موقعی آمادگی دارند باید از حس ششم خود استفاده کند. معلم به کمک تجربه می‌تواند تفاوت‌های جزئی را پیدا کند و بداند که چه موقع شروع کند، جهت را تغییر دهد، مطالب را دوره کند و خاتمه دهد. معلم باید یاد بگیرد چه موقع روش خود را تغییر دهد و چه روشی برای چه دانش آموزانی مناسب است.

معمولاً راهبردهای متعددی وجود دارد که می‌توان برای هر درس معین ارائه داد و امکان ترکیب‌های متعددی از این راهبردها نیز وجود دارد. هر راهنمای آموزشی با تجربه‌ای تصدیق می‌کند که کلیه معلم‌ان در اجرای کلیه راهبردها به یک اندازه

مهارت ندارند. یکی از فواید و محاسن عمده بعضی از طرح‌های تدریس گروهی، آن است که نقاط قوت معلم‌ان مشخص می‌شود. به طور مثال آنهایی که در سخنرانی برای گروه‌های بزرگ مهارت دارند، این مهارت را در تدریس گروهی به کار می‌گیرند. اما در هر حال هنگامی که معلم در کلاس خود تنهاست باید حداقل سطح عملکرد قابل قبول را در اغلب راهبردهای معمول نشان دهد.

متخصصان تربیت معلم سال‌ها تلاش کرده‌اند تا مهارت‌های تشکیل دهنده فرآیند تدریس را مشخص نمایند. این مهارت‌ها، قابلیت‌های عمومی هستند که کلیه معلم‌ان در تمام سطوح باید بتوانند از خود نشان دهند. دوایت آلن و کوین ریان چهارده مهارت را به شرح زیر مشخص کرده‌اند.

- ۱- تنوع در محرک‌ها
- ۲- ایجاد آمادگی
- ۳- جمع بندی مطالب
- ۴- اشارات بی صدا و بدون کلام (ایماء و اشاره)
- ۵- تقویت مشارکت دانش آموزان
- ۶- مهارت در پرسش سؤالات
- ۷- طرح سؤالات
- ۸- سؤالات در سطوح بالاتر یادگیری
- ۹- سؤالات واگرا
- ۱۰- تشخیص رفتار مربوط به توجه و حضور مرتب
- ۱۱- مثال زدن و استفاده از نمونه‌ها
- ۱۲- سخنرانی
- ۱۳- تکرار مطالب به طور برنامه‌ریزی شده
- ۱۴- ایجاد ارتباط صحیح و کامل

مادالین هانترو و دوگلاس راسل برای تدریس اثربخش، هفت مرحله را که در واقع قابلیت‌های عمومی تدریس هستند توصیه می‌کنند.

- ۱- آمادگی لازم
 - ۲- درک اهداف و مقاصد
 - ۳- درون داد (تحلیل تکلیف)
 - ۴- الگوسازی
 - ۵- بررسی درک مطالب
 - ۶- تمرین هدایت شده
 - ۷- تمرین مستقل
- نگارنده به این فهرست، هشتمین مهارت را که «جمع‌بندی مطالب» است اضافه می‌کند. برای کمک به معلم‌ان در زمینه آرایه بخش میانی تدریس راهنمای آموزشی می‌تواند چهار مهارت را با معلم‌ان مورد بررسی قرار دهد: ۱- سخنرانی ۲- هدایت بحث ۳- سؤال کردن ۴- ایجاد تنوع.

سخنرانی: سخنرانی مفهیمی نظیر گفتن، شرح دادن، توصیف کردن، نشان دادن را در بردارد و معلم به طور کلی صحبت می‌کند. فصل تحقیقات نشان می‌دهد که درباره این مهارت‌ها به طور عمومی کار زیادی صورت گرفته است. یک واقعیت محیط مدرسه این است که معلم‌ان عموماً زیاد صحبت می‌کنند. از آنجایی که سخنرانی روشی است که در وقت صرفه جویی می‌کند، به این زودی‌ها مربیان آموزشی آن را کنار نمی‌گذارند و می‌تواند وسیله‌ای کارآمد تلقی شود که حجم زیادی از اطلاعات را به گروه زیادی از دانش آموزان در مدت زمانی کوتاه انتقال می‌دهد. همچنین

ممکن است روش کاملاً کارآمدی در آموزش نبوده و برای یادگیرندگان مناسب نباشد. اگر معلم از چند دستورالعمل زیر پیروی کند، راهبرد سخنرانی قابل بهبود است:

۱- یادگیرندگان باید به حدی بالغ باشند که روش سخنرانی را بپذیرند: طبق یک قاعده کلی کودکان کم سن تر پذیرش کمتری نسبت به روش سخنرانی دارند. کودکان کم سنتر قدرت تمرکز دانش آموزان بزرگتر را ندارند. سخنرانی به خود انضباطی تا خود رهبری نیاز دارد و کودکان کم سن هنوز در این زمینه رشد نکرده‌اند و بیش از منفعل بودن باید فعال باشند. بنابراین راهبرد سخنرانی روش قابل قبولی در سطوح دانشگاهی است.

۲- مهارت‌های شنیداری یادگیرندگان باید به خوبی رشد کرده باشد: رشد مهارت‌های شنیداری تابعی از بلوغ و تربیت است. در سالهای اخیر ادبیات زبان، مهارت‌های شنیداری را در آموزش وارد کرده است. در این مسأله که مهارت‌های شنیداری قابل یادگیری و بهبود هستند اتفاق نظر وجود دارد. زمانی که فرد در بعضی جلسات و کمیته‌ها حضور می‌یابد درک می‌کند که صرفاً بلوغ نمی‌تواند تضمینی برای تکامل مهارت‌های شنیداری باشد. گاهی اوقات معلم‌ان با استفاده از روش‌های غلط آموزشی موجب تشویق مهارت‌های ضعیف شنیداری می‌شوند نه تقویت مهارت‌های قوی. معلم قبل از انتخاب روش سخنرانی باید بداند که آیا یادگیرندگان مهارت کافی در شنیدن دارند یا نه.

۳- معلم باید طوری صحبت کند که یادگیرندگان آن را درک کنند: معلم نباید بالاتر و یا پایین‌تر از سطح آگاهی یادگیرندگان صحبت کند، زیرا علاقه مخاطبان به شنیدن سخنرانی کم می‌شود. او باید مراقب بار لغوی صحبت‌هایش باشد و اطمینان حاصل کند که کلیه دانش آموزان معنی کلمات سخنرانی را می‌فهمند. اگر پس از استفاده از یک کلمه ناآشنا مشخص شد که شنوندگان گیج شده‌اند، معلم باید مطلب را قطع کند و درباره آن توضیح دهد. معلم‌ان باید در استفاده از لغات کودکان و اصطلاحات عوامانه محتاط باشند. بعضی از معلم‌ان تصور می‌کنند برای برقراری ارتباط باید بیشتر از اصطلاحات عامیانه استفاده کنند. کودکان انتظار ندارند که معلم‌ان زبان آنها را به کار ببرند؛ آنها انتظار دارند معلم‌ان نقش خود را به عنوان بزرگسال ایفا کنند و از اینکه بزرگسالان سعی می‌کنند ادای آنها را در آورند دلخور می‌شوند و یا احساس پوچی می‌کنند.

۴- هر سخنرانی باید از قبل طراحی شده باشد: معلم باید خلاصه‌ای مکتوبی برای آرایه نکات اصلی داشته باشد، سؤالات اصلی را طرح کند و مثالهایی برای مشخص شدن نکات اصلی ذکر کند. سخنرانی نیز مانند یک طرح درس خوب باید، مقدمه، بخش میانی و بخش پایانی داشته باشد. سؤال‌های سرگرم کننده به اجرای سخنرانی کمک می‌کند و جمع‌بندی نکات اصلی و عمده نیز ضروری است.

۵- فقط صحبت کردن کافی نیست: یک سخنرانی هر جا که امکان داشته باشد باید همراه با چاشنی حرکتی و دیداری باشد. اسلایدها، جداول،

خوب گوش دهند. معلم معمولاً به عنوان واسطه عمل می کند، اما می تواند گاهی این وظیفه را به دانش آموزان محول کند تا آنها نیز مهارت های رهبری بحث را به دست آورند. معلم باید به دانش آموزان کمک کند تا معنادار بودن پاسخ ها و سؤالات خود را به کمک هماهنگی آنها با حقایق و بحث های منطقی ارزیابی کنند.

وقتی که راهنمای آموزشی هنگام بحث در یک کلاس درس می نشیند باید ببیند کدام یک از دانش آموزان فعالتر مشارکت می کنند و کدام یک ساکت نشستند، کدام یک را معلم بارها صدا می زند و کدام یک اصلاً مورد خطاب قرار نمی گیرند. راهنمای آموزشی باید ببیند آیا بحث درباره درس است، آیا شرکت کنندگان به حرف های یکدیگر گوش می دهند و همدیگر را درک می کنند و آیا عقاید یکدیگر را می پذیرند. اگر در این محدوده ها مشکلی دیده شود، راهنمای آموزشی باید با معلم درباره راهنمایی که بتوان بحث را بهبود بخشید مذاکره کند.

اشارات غیر کلامی: پیام ها گاهی اوقات از راههایی غیر از کلام یا نوشته انتقال می یابند. یک نگاه، سر تکان دادن، یک اخم یا فقط سکوت می تواند مفاهیمی را به شنونده انتقال دهد. با استفاده عاقلانه از اشارات یا حرکات می توان یک بحث را شروع کرد، متوقف نمود، ادامه داد و یا جهت آن را تغییر داد. یک سر تکان دادن و لبخند از طرف معلم می تواند مشارکت دانش آموز را تقویت کند. یک اخم به دانش آموزی که توجه به کلاس ندارد می تواند او را به مشارکت در کلاس برگرداند. یک دوره سکوت کامل ممکن است یک گروه را کاملاً ساکت کند و باعث شود و به موضوع درس برگردند. روش قدیمی ضربه زدن به تخته سیاه با یک قطعه گچ ممکن است توجه همه را به موضوع مورد بحث جلب کند.

معلم هنگامی که در کلاس دور می زند و بحث را از جهات مختلف؛ برتری و سودمندی هدایت می کند در واقع در حال انتقال پیام به دانش آموزان است. پیام می تواند چنین باشد: «می خواهم ببینم

اجزای دیگر مهارت عمومی بحث یعنی مشارکت دانش آموزان و اشارات غیر کلامی نیز جلب کند.

مشارکت دانش آموزان: معلم باید فرصت های مداوم و مکرر برای «براز خود» در دانش آموزان ایجاد کند. در بحث باید برای دانش آموزان فرصتی فراهم آورد تا مهارت های شنیدن، فکر کردن، صحبت کردن و مشارکت کردن در کار گروهی را رشد دهند. ما باید انتظار داشته باشیم که دانشجو بیشترین میزان مشارکت را داشته باشد. معلمان اغلب در محدود کردن صحبت های خود و توسعه دادن فرصت بیان افکار به دانش آموزان مشکل دارند، اما این یک الزام است. معلم نه فقط باید در هدایت یک بحث مطالب مورد مطالعه را مطرح کند، بلکه باید در ادامه تدریس به لزوم بحث آزاد و مهارت در این زمینه بیندیشد. بسیاری از فعالیت های اجتماعی و بازرگانی جهانی از طریق بحث حل و فصل می شود که نمی توان این مهارت ها را تدریس نمود، بلکه باید فرصت بحث و تمرین این مهارت ها در کلاس وجود داشته باشد.

معلمان باید سعی کنند برای کلیه یادگیرندگان فرصت درگیری در بحث را ایجاد کنند و فقط به چند دانش آموز اکتفا نکنند. نباید فقط به چند نفر از افراد اجازه تسلط بر بحث را بدهند، اما در عین حال باید فضای به وجود آورد که دانش آموزان برای بیان عقاید و طرح سؤالاتشان احساس آزادی کنند. دانش آموزان باید تشویق شوند تا داوطلبانه پاسخ دهند و مثال هایی بیاورند و نکته هایی از تجربیات شخصی خود ذکر کنند. معلم باید دانش آموزان را متقاعد کند که مشارکت در کلاس بخش مهمی از درس هر روز است. اگر به دانش آموزان اطمینان داده شود که عقاید آنها به حساب می آید و از تمسخر یا عدم تأیید معلم و دیگر همکلاس ها نترسند، در جریان یادگیری مشارکت بیشتری خواهند کرد. یکی از وظایف معلم هنگام هدایت بحث این است که آن را در مسیر اصلی و تحت نظارت نگاه دارد. دانش آموزان باید یاد بگیرند که به نوبت صحبت کنند و هنگامی که دیگران صحبت می کنند

تصاویر و ترانس پرنس ها برای جلب توجه مفید هستند. حتی استفاده از تخته سیاه و گچ بهتر از صحبت کردن صرف است.

ع باز خورد و پیگیری باید وجود داشته باشد: زمانی را باید برای سوال از دانش آموزان اختصاص داد. معلم باید با نوعی ارزشیابی اطمینان حاصل کند که یادگیرندگان از نظر ذهنی نکات ارائه شده در سخنرانی را دریافت کرده اند. بهترین روشی که برای پیگیری در سخنرانی در گروه های بزرگ پیشنهاد می شود تشکیل جلسه بحث در گروه های کوچک است.

برای راهنمایان تعلیماتی شاید مفید باشد که هنگام کار با معلمان درباره راهبرد سخنرانی از فهرستی نظیر آنچه کیت / چسون و مردیت دمین گال ارائه کرده اند و در جدول ۳ نشان داده شده استفاده کنند.

راهنمایان تعلیماتی باید با معلمانی که علاقه زیادی به روش سخنرانی دارند مشاوره کنند و به آنها کمک کنند تا تصمیم بگیرند آیا سخنرانی واقعاً اثربخش ترین روش تدریس است و اگر چنین است معلم چه معیارهایی را باید به کار گیرد تا بیشترین استفاده را از این راهبرد ببرد.

هدایت یک بحث: بحث و سخنرانی اغلب با یکدیگر اشتباه می شوند. بسیاری از معلمان در حالی که در واقع برای دانش آموزان سخنرانی می کنند ادعا دارند که بحث را هدایت می کنند. بحث به معنی تعامل بین معلم و یادگیرندگان است. واژه بحث در این کتاب به طور جدی استفاده نشده و بیشتر به طرح حکایت اکتفا شده است. این کار به این دلیل صورت گرفته که وقتی مربی قرار است خود را با این کتاب تطبیق دهد در پیشبرد بحث با دانش آموزان از حکایت استفاده کند. یک بحث اثربخش نه فقط شامل مهارت های ذهنی شفاهی و فردی است، بلکه شامل مهارت های مشارکت گروهی نیز می باشد. در هر حال بحث یک فعالیت گروهی است، نه یک سخنرانی یا گفت و گوی دونفره.

راهنمای آموزشی باید توجه معلمان را به

جدول (۳) فهرست تبیین روش سخنرانی در تدریس

رفتارهایی که باید ارزشیابی شوند

نیاز به اصلاح	۱	۲	۳	۴	۵	خوب
	۱	۲	۳	۴	۵	۱- آیا سخنرانی سازمان و توالی روشنی دارد؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۲- آیا از تخته سیاه، توزیع برگه و غیره برای نشان دادن سازمان سخنرانی استفاده می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۳- آیا به دانش آموزان می گوید که انتظار دارد آنها از سخنرانی چه چیزی را به خاطر بسپارند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۴- آیا در پایان درس نکات اصلی را تکرار و آنها را خلاصه می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۵- آیا مواظب است تا از مطلب منحرف نشود؟
	۱	۲	۳	۴	۵	ارایه
نیاز به اصلاح	۱	۲	۳	۴	۵	۱- آیا به آرامی و روشنی صحبت می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۲- آیا نکات سرگرم کننده ارایه می دهد؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۳- آیا از خواندن متن سخنرانی از روی نوشته خودداری می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۴- آیا از بیان عبارات تکراری مانند «می دانید که» خودداری می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۵- آیا حرکات عصبی بروز نمی دهد؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۶- آیا ارتباط چشمی را با دانش آموزان حفظ می کند؟
	۱	۲	۳	۴	۵	۷- آیا از لطیفه و نکته نیز استفاده می کند؟

که همه در بحث شرکت کرده‌اند» یا «گروهی که آن گوشه سر و صدا می‌کنند باید به بحث توجه کنند» یا «من به شرکت افرادی که در ردیفهای عقب هستند همانند ردیفهای جلو علاقه مندم.» حرکات معلم برای تداوم مشارکت یادگیرندگان به عنوان یک محرک عمل می‌کند.

استفاده از سکوت و اشارات غیر کلامی تا حدی به هدایت یک ارکستر شباهت دارد. معلم می‌تواند به دانش‌آموزانی که قرار است پاسخ دهند اشاره کند. می‌تواند بیانات یک دانش‌آموز را با تأیید «آهان» پیگیری کند، می‌تواند با ابراز «هان!» گیج شدن خود را نشان دهد و می‌تواند با یک لبخند و چرخش چشمان رضایت خود را بیان نماید. در جایی که از حرکات، اشارات و سکوت برای انتقال بعضی مفاهیم استفاده می‌شود شباهت تدریس و نمایش دوباره آشکار می‌گردد. به نظر بعضی افراد این گونه صفات عادت است، اما به عقیده بعضی دیگر شاید این اشارات را بتوان از طریق تماشای سخنرانی معلم دیگر و مطالعه عملکرد خودمان بیاموزیم. راهنمای آموزشی باید به معلمان کمک کند تا کاربرد سکوت و اشارات غیر کلامی خود را از طریق مشاهده آنها در عمل و بازخورد دادن نتایج عملکردشان به آنها تحلیل کنند.

سوال کردن: آنچه اغلب به نام سخنرانی یا بحث نامیده می‌شود، در واقع باید جلسه پرسش و پاسخ شفاهی باشد. معلم سوالاتی را طرح می‌کند

و از دانش‌آموزان انتظار دارد که پاسخ صحیح را بدهند. بین همه راهبردها روی روش سؤال کردن ممکن است بیش از همه کار شده باشد و بیشترین استفاده نادرست نیز از آن شده باشد.

برعکس تمرین معمولی، جلسات طرح سؤال باید طراحی شده باشد. جلسه طرح سوال باید دارای هدف ویژه و انسجام درونی باشد که فقط از طریق طراحی پیشرفته امکان پذیر است. در هر جلسه پرسش و پاسخ، معلم باید سؤالات اصلی را در طرح درس بنویسد تا نکات اساسی فراموش نشود.

طرح سؤال مهارتی است که به کمک رعایت چند قانون زیر پرورش می‌یابد.

۱- از آنجا که طرح سؤال در اساس فعالیتی کلامی و شناختی است معلم باید سعی کند سوالات را در بالاترین سطح حیطة شناختی طرح کند: می‌توان به سطوح ششگانه طبقه‌بندی بلوم مراجعه نمود. دانش، درک، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی. معلمان هر زمان که ممکن باشد باید سوالاتی در بالاترین حد طیف طبقه‌بندی طرح کنند. اغلب اوقات معلمان سوالاتی طرح می‌کنند که یادآوری ساده یا پاسخ‌های بلی و خیر را می‌طلبد. چنین پاسخ‌هایی نه تفکر را تشویق می‌کند و نه به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد که ایده‌ها و عقاید خود را تنظیم کنند.

جدول (۴)

		انتخاب منابع
	بلی	با اهداف در ارتباط است.
	خیر	متناسب با تواناییهای یادگیرندگان است.
		متناسب با سن یادگیرندگان است.
		مطابق با علاقه یادگیرندگان است.
		برای توجه به تفاوت‌های فردی به اندازه کافی متنوع است.
		درست و به روز است.
		بدون تعصب و جهتگیری است.
		منابع معرفی شده به راحتی در دسترس یادگیرندگان است.
		هزینه‌ای برای یادگیرندگان در بر ندارد.
	بلی	انتخاب راهبرد
	خیر	متناسب با یادگیرندگان است.
		متناسب با معلم است.
		متناسب با موضوع درسی است.
		متناسب با زمان موجود است.
		متناسب با منابع موجود است.
		متناسب با امکانات موجود است.
		متناسب با اهداف است.
	بلی	ارایه درس
	خیر	در کل مناسب است.
		طرح درس مکتوب وجود دارد.
		معلم اعتماد به نفس دارد.
		معلم می‌داند که سمت و سوی کلاس به کجاست.
		اهداف را به اطلاع یادگیرندگان می‌رساند.
		فعالتهای روزانه را به جریان می‌اندازد.
		دانش‌آموزان را در انجام وظایف، فعال نگه می‌دارد.
		مواد و تجهیزات آموزشی در دسترس است.
		از تکرار غیر ضروری محتوا خودداری می‌کند.

اگر چه معلم به دنبال طرح سؤالات سطوح بالاتر یادگیری است اما مطمئناً یادگیری سطوح پایین تر کاملاً حذف نمی‌شوند. زمانی می‌شود که سؤالات سطوح پایین تر کاملاً منطقی هستند، پویزه در هدایت جلسات تمرین دروسی که ماهیتاً تکراری هستند. تحت چنین شرایطی طرح سؤال در سطوح پایین طبقه بندی بلوم مفیدتر از طرح سؤال در سطوح بالاتر است. در هر حال آنچه اهمیت دارد این است که طرح سؤال معلم، در سطوح پایین یادگیری باقی نماند، بلکه آگاهانه و با ظرافت به سمت سطوح بالاتر یادگیری حرکت کند. سوالاتی که در سطوح پایین یادگیری طرح می‌شوند ممکن است فرایند حافظه را تقویت کنند، اما برای رشد مهارت‌ها و توانایی‌های مهمتر مانند بیان افکار و فکر کردن کارساز نیستند.

ساختن سؤالات سطح بالاتر یادگیری بر اساس محتوا همیشه امکان پذیر نیست و همیشه نمی‌توان تمام محدوده‌ی سؤالات را از پایین ترین تا بالاترین سطح مطرح نمود. قاعدتاً هدف معلم بالا بردن سطح سؤالات تا بالاترین سطح ممکن است، البته هر جا که این امکان وجود داشته باشد.

۲- معلم باید سؤالات را واضح و به زبان یادگیرنده بیان کند تا برای او قابل درک باشد: سؤالات نه فقط باید روشن باشند، بلکه باید با کلام خود معلم باشد و از کلمات و جملات کتاب درسی نباشد. سؤال کردن باید به عنوان برنامه تکمیلی یا کمکی برای کتاب درسی و درباره محتوای کتاب باشد، اما با آنچه نویسنده در کتاب درسی آورده متفاوت باشد. به همان شکل باید از دانش‌آموزان بخواهد تا به جای تکرار مطالب کتاب درسی با کلمات خودشان به سؤالات پاسخ دهند.

۳- معلم باید ابتدا یک سؤال را برای کل گروه مطرح کند: باید برای فکر کردن درباره سؤال طرح شده یک فرصت زمانی به دانش‌آموزان داده شود. آنگاه معلم می‌تواند سؤال را از یک دانش‌آموز بپرسد. این تمرین کلیه دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که به سؤالات گوش دهند. اگر معلم قبل از آنکه سؤال را طرح کند یکی از دانش‌آموزان را صدا کند دیگران ممکن است سؤال و پاسخ را با یکدیگر تطبیق و ربط ندهند.

۴- معلم نباید یک سری سؤال را پشت سر هم و همزمان طرح کند: اگر چه معلم ممکن است بخواهد معنی یک سؤال را روشن کند، اما سؤالات چندتایی دانش‌آموز را گیج خواهد کرد. آنها متحیر خواهند شد که به کدام سؤال باید پاسخ دهند؟ و کدام سؤال مهمتر است؟

۵- از آنجا که معلم مسئول رشد مهارت‌های گوش دادن، صحبت کردن و درک کردن است نباید دانش‌آموزان را به تکرار سؤال‌ها و پاسخ‌های داده شده عادت دهد: معلم باید بلند و واضح صحبت کند تا همه دانش‌آموزان بتوانند بشنوند. تکرار مطلب باعث میشود تا دانش‌آموز به حواس پرتی تشویق شود، زیرا می‌داند برای بار دوم هم سؤال و پاسخ تکرار می‌شود. فقط اگر مشخص شود که دانش‌آموزان سؤال را نفهمیده‌اند باید تکرار گردد. باید در دانش‌آموزان عادت گوش دادن بار اول را پرورش

نکته دوم در بحث مربوط به ایجاد تنوع همانند نکته اول است: محرکها باید تنوع داشته باشند؛ بنابراین فعالیت‌های یادگیری که همان محرکها هستند نیز باید تنوع داشته باشند. با استفاده از تنوع محرک، امیدواریم بتوانیم بین محرک‌های ویژه‌ای که قبلاً ذکر شد و فعالیت‌ها و راهبردهای عمومی‌تر یادگیری تفاوت قابل شوییم. راهنمای آموزشی باید به معلمان توصیه کند تا در طرح درس‌های خود فعالیت‌های متعددی را برای هر درس تهیه کنند. معلمان باید تشویق شوند تا از وسایل ارتباطی مختلف استفاده کنند. طبق یک قاعده کلی یک فعالیت انفرادی و طولانی نظیر سخنرانی، بحث گروهی، نوار ویدئویی، یا فیلم نمی‌تواند توجه و علاقه یک گروه را همانند فعالیت‌های متنوع به خود جلب کند. فعالیت‌های اصلی باید در طرح درس معلم همراه با برآورد وقت اختصاص داده شده به هر فعالیت نوشته شود. هدف تنوع در فعالیت‌های گروهی ایجاد انگیزه در یادگیرنده است.

۱- تشکیل گروه‌های فرعی در کلاس:

معلم می‌تواند در کلاس گروه‌هایی تشکیل دهد که دارای علایق ویژه، توانایی‌های ویژه و نیاز به یادگیری ویژه هستند. با تقسیم یادگیرندگان در گروه‌های فرعی، معلم محدوده توانایی‌ها یا علایق را کاهش می‌دهد و آموزش بیشتر انفرادی می‌شود، اگرچه کاملاً انفرادی نیست. دانش‌آموزان را می‌توان گروه‌بندی کرد و برای تکالیف و مقاصد عمومی فرا خواند. معلم در گروه‌های فرعی کوچکتر با درک اهداف شخصی افراد به طور مؤثرتری می‌تواند به آنها کمک کند.

۲- یادگیری مشارکتی: در دهه اخیر ثابت

شد که یادگیری مشارکتی با همیاری، نمونه‌ای شناخته شده از گروه‌بندی فرعی است. رابرت اسلاوین که جزء اولین مدعیان یادگیری مشارکتی است، این روش را چنین تعریف می‌کند، «نوعی سازماندهی کلاسی است که در آن دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به یکدیگر کمک می‌کنند تا مطالب درسی را یاد بگیرند.» یک ویژگی اساسی که آن را از سایر گروه‌بندی‌ها متمایز می‌کند، تأکید بر عملکرد و موفقیت گروهی است در حالی که عملکردهای انفرادی کلاسی طبق روش سنتی همچنان وجود دارد.

در سازماندهی یادگیری مشارکتی، معلمان گروه‌های غیر مشابه کوچک را که وظیفه آنها کمک به یکدیگر در تسلط بر اهداف اختصاصی و آموزشی است تشکیل می‌دهند. افراد برای آموزش یکدیگر مسؤولیت‌هایی را می‌پذیرند. یادگیری مشارکتی با تأکید بر کمک به یکدیگر با الگوهای سنتی و رقابتی که در آن افراد برای موفقیت در کلاس تلاش می‌کنند تفاوت دارد.

تنوع در سازماندهی کلاسی، از اصول آموزش و تدریس است. معلمان باید طرح‌های سازمانی را به منظور رسیدن به اهداف خاص با گروه‌های خاص و در زمان خاص اجرا کنند. هیچ طرح سازمان کلاسی به تنهایی نمی‌تواند به همه اهداف برسد. آموزش کل گروه که بر عکس گروه‌بندی است می‌تواند ماندنی‌ترین و کارآترین روش رسیدن به بعضی از هدف‌ها باشد. مطالعه مستقل، اهداف

دیوارها و سقف، وسایل و تجهیزات اتاق، بلندگو، ساعت و اتفاقاتی که خارج از در و پنجره‌های کلاس روی می‌دهد، همگی بر یادگیری یا عدم یادگیری افرادی که در کلاس هستند اثر دارند. اما به هر حال مهمترین محرک‌ها، معلم و یادگیرندگان هستند که هر یک با دیگری، تعامل دارد.

معلمی که بی حرکت می‌نشیند یا می‌ایستد و هیچ اشاره‌ای ندارد؛ با صدای یکنواخت بدون هیچ تنوعی در موج، صدا، شدت و زیر و بم صدا صحبت می‌کند؛ از تأثیر اشارات غیر کلامی بی اطلاع است و کلاس را بی‌روح و یکنواخت اداره می‌کند. یک تدریس خوب یعنی تنوع محرک‌ها، البته این بدان معنی است که معلم باید بتواند محرک‌هایی را که در کلاس بر یادگیری اثر می‌گذارد مشخص کند و بتواند اثر این محرک‌ها را بخواند. وقتی آثار خستگی ظاهر می‌شود، معلم باید مطلب را به سرعت عوض کند به این امید که این تغییر، نیروی تازه‌ای به یادگیرندگان بدهد.

در بخش قبلی در بحث هدایت، به اثربخشی حرکت، استفاده از اشارات برای انتقال معنا و استفاده از سکوت برای جلب توجه دانش‌آموزان اشاره شد. آلن و ریان پیشنهاد می‌کنند که معلمان باید بر مهارتهایی نظیر تمرکز کردن، سبک‌های تعاملی و تغییر مسیرهای حسی همچون مهارت‌های حرکتی، اشارات، و توقف یا سکوت تسلط یابند. منظور این نویسندگان از تمرکز، هدایت توجه به اشیاء یا مفاهیم خاص است. تمرکز را می‌توان با عبارتی نظیر «این نکته را به خاطر بسپارید» یا «به جدول صفحه ۲۵ نگاه کنید» ایجاد کرد. معلم بر یک مورد تمرکز می‌کند و بر آن تأکید خاص می‌نماید.

یادگیری فرآیندی تعاملی است. آلن و ریان از این دیدگاه پشتیبانی می‌کنند و با انفرادی عمل کردن معلم مخالف هستند و آموزش را با سبک‌های تعاملی توصیه می‌کنند. معلم متکلم وحده شاید از نظر تفریحی جایگاهی داشته باشد، اما این سبک جایگاهی در کلاس که هدف، پیشرفت یادگیرنده است ندارد. معلمان فقط با یادگیرندگان نباید تعامل داشته باشند، بلکه اغلب باید سبک تعامل را نیز تغییر دهند.

تغییر مسیرهای حسی که آلن و ریان مطرح کردند مهارت ساده‌ای است که اغلب به آن توجه نمی‌شود. متداولترین مسیر حسی در تدریس، مسیر دهان معلم به گوش دانش‌آموز است (ارتباط کلامی). آلن و ریان توصیه می‌کنند که تغییر محرک‌ها از شفاهی به دیداری و برعکس انجام شود. حتی زمانی پیش می‌آید که حس بویایی و لامسه می‌تواند به جای راه‌های ارتباطی استفاده شود.

هدف معلم در صورت لزوم حفظ، نگهداری و جلب توجه یادگیرندگان است و نظارت و تغییر محرک‌ها می‌تواند علاقه دانش‌آموز را جلب و آن را حفظ کند.

تنوع در فعالیت‌های یادگیری گروهی:

اگر همه فعالیت‌های یادگیری را که در کلاس به عنوان محرک‌ها روی می‌دهد، مشخص کنیم،

داد، تا پاسخ‌ها را واضح و قابل شنیدن ارائه دهند به طوری که همکلاس‌هایشان بتوانند آنها را درک کنند.

۶- معلم باید سؤالات را در گروه مطرح

کند تا بیشترین مشارکت ایجاد شود: معلم باید از دانش‌آموزانی که داریم دستشان بالاست و پاسخ‌های صحیح را می‌دانند کمتر سؤال کند و سؤالات را از دانش‌آموزانی که ردیف عقب کلاس نشسته‌اند مانند دانش‌آموزان ردیف جلو و آنهایی که سمت راست و چپ معلم نشسته‌اند به یک اندازه بپرسد. معلم باید دقت کند توجهش آگاهانه یا ناآگاهانه به دانش‌آموزان خاصی جلب نشود.

۷- سؤال کردن باید فقط بخشی از زمان

یک جلسه کلاسی را در برگیرد: مدت زمان طولانی پرسش و پاسخ باعث از دست رفتن وقت مخاطبان و از بین رفتن اهداف اصلی طرح سؤال می‌شود. یک روش مناسب برای روح بخشیدن به جلسات طرح سؤال این است که سؤالات به صورت بازبهای مختلف طرح گردد. به طور مثال، با تشکیل گروه‌هایی برای بحث درباره سؤالات، معلم می‌تواند روحیه رقابت گروهی را ایجاد کند. در هر حال این روش قابل تطبیق برای سؤالات پایین‌تر است و برای سؤالات پیچیده‌تر، کاربرد ندارد.

۸- معلم باید یادگیری عاطفی را نیز که

همراه با یادگیری شناختی صورت می‌گیرد در نظر داشته باشد: وقتی پاسخ دانش‌آموزان رضایت بخش است، معلم باید با کلمات و اشارات تأیید کننده آنها را تقویت مثبت کند. وقتی پاسخها صحیح نیستند، تلاش دانش‌آموزان برای پاسخ دادن باید تشویق شود، اگر چه محتوای پاسخ نیاز به اصلاح داشته باشد. معلم موظف است در کلاس موقعیتی به وجود آورد که به دانش‌آموزان اجازه پاسخ دادن بدهد، همه را برای مشارکت تشویق کند و روحیه پذیرش عقاید دیگران را پرورش دهد.

راهنمایان آموزشی باید معلمان را تشویق کنند تا روش سؤال کردن خود را بررسی کنند و ببینند آیا مطابق با این دستورالعمل‌ها هست یا خیر.

ایجاد تنوع: کودک نارام است و نیاز به

حرکت و تغییر دارد. مدت زمان توجه کودکان به یک مطلب بسیار کوتاهتر از بزرگسالان است، و هر چه کودک کوچکتر باشد این مدت نیز کوتاهتر است. از آنجا که همه جوانان برای رویارویی با مطالبی که معلم ارائه می‌دهد انگیزه کافی ندارند، معلم باید راه‌هایی را برای برانگیختن علاقه آنها به موضوع مورد مطالعه به کار گیرد.

تنوع، واژه‌های کلیدی در حیطه انگیزش و علاقه است. معلم باید محتوا، روش یادگیری، فعالیت‌های درس، حتی روش تدریس خود را متنوع کند. راهنمای آموزشی شاید در عملکرد معلم سه جزء مهارت عمومی تدریس را که: ۱- تنوع محرک‌ها ۲- تنوع در فعالیت‌های یادگیری گروهی ۳- تنوع در فعالیت‌های یادگیری انفرادی می‌باشد، مشاهده کند.

تنوع محرک‌ها: محرک‌های بی‌شماری بر

پاسخهای یادگیرندگان و معلم در هر لحظه و ساعت کلاس اثر می‌گذارد. نور، رنگ نقاشی

خودش را دارد.

معلم باید مجموعه‌ای از روشهای مختلف گروه‌بندی دانش‌آموزان را برای آموزش (تدریس) در اختیار داشته باشد.

تنوع در فعالیتهای یادگیری انفرادی:

تنوع در فعالیتهای نه فقط برای گروه ضروری است، بلکه برای فرد فرد اعضای گروه نیز لازم می‌باشد. با این مهارت وارد محدوده مشکل آموزش انفرادی می‌شویم. آموزش انفرادی یک هدف آموزشی بسیار عالی است و علی‌رغم اینکه کار ساده‌ای به نظر می‌رسد در کتابها و مقالات بی‌شماری توصیف و تحلیل شده و از آن دفاع شده است.

در واقع آموزش انفرادی بسیار مشکل است. در نهایت امر برنامه‌های درسی انفرادی، آموزش برنامه‌های انفرادی و آموزش معلم خصوصی یا از طریق انسان و یا آموزشهای ماشینی انجام می‌شود. در هر حال آموزش مجموعه‌ای است که شباهتی به رابطه فرد با فرد نظیر پزشک و بیمار یا وکیل و موکل ندارد. افراد باید در گروه به عنوان اعضای یک گروه بزرگتر، نظارت و اداره شوند. با توجه به ماهیت مجموعه‌ای بودن آموزش می‌توانیم

آموزش را تا حدی با تفاوت‌های فردی انطباق دهیم، به طوری که تلاش ما گاهی به سوی انفرادی شدن مطلوب باشد.

بنا بر آخرین تحلیل، یادگیری فعالیتی انفرادی است، کسی نمی‌تواند به جای دیگری یاد بگیرد. یک فرد می‌تواند به دیگری در یادگیری کمک کند، اما آنچه در ذهن افراد می‌گذرد، مسأله کاملاً شخصی است. معلم که کمک‌کننده اصلی در طول فرایند آموزش است سعی می‌کند تمام مهارت‌های خود را به کار گیرد تا آموزش را هر چه بیشتر انفرادی کند. راهنمای‌های آموزشی باید نحوه تدریس معلم را به سمت انفرادی شدن سوق دهد، اگر معلم:

۱- آزادی انتخاب دهد: معلم باید عادت کند که در طول سال تحصیلی فرصت‌های انتخاب را هر موقع که امکان داشته باشد به وجود آورد. به طور مثال به دانش‌آموزان اختیار داده شود تا در هر گروهی که مایل هستند شرکت کنند. می‌توان انتخاب فعالیت‌های یادگیری را که ارزش‌های برابری دارند برای دانش‌آموزان آزاد گذاشت و شیوه‌های مطالعه یک موضوع و منابعی را که ترجیح می‌دهند استفاده

جدول (۵)

		بخش میانی درس، سخنرانی	
خیر	بلی		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یادگیرندگان به حد کافی بالغ هستند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یادگیرندگان در مهارتهای شنیداری رشد کافی دارند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یادگیرندگان زبان سخنرانی را درک می‌کنند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شواهدی دال بر برنامه‌ریزی وجود دارد.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	با وسایل کمک آموزشی مجهز شده است.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بازخورد و پیگیری وجود دارد.	
خیر	بلی	مشارکت دانش‌آموز	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دانش‌آموزان به طور دایم برای ابراز خود فرصتهایی دارند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	از سکوت و اشارات غیر کلامی استفاده می‌شود.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سؤالات سطوح بالاتر یادگیری طرح می‌شود.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	طرح سؤالات مناسب است.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سؤالات واگرا وجود دارد.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	معلم از پرسش و پاسخ تکراری جلوگیری می‌کند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فقط بخشی از وقت به پرسش و پاسخ اختصاص دارد.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	معلم از یادگیری اثربخش آگاه است.	
خیر	بلی	ایجاد تنوع	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تنوع در محرک‌ها وجود دارد.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تنوع در فعالیتهای گروهی وجود دارد.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تنوع در فعالیتهای انفرادی وجود دارد.	
خیر	بلی	جمع‌بندی درس (بخش پایانی درس)	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ارزشیابی انجام می‌شود.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تکالیف تعیین می‌شود.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تکالیف روشن و واضح است.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تکالیف متناسب با کار انجام شده و توانایی دانش‌آموزان است.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	معلم نکات مشکل تکالیف را پیش‌بینی می‌کند.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	در تعیین تکالیف علایق و توانایی‌های دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تکالیف از نظر حجم منطقی است؟	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تکالیف از نظر حجم ضروری است؟	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برای انجام تکالیف منابع لازم موجود است.	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ایلاخ تکالیف از بیش از یک کانال حسی انجام شده	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(هم به طور کتبی هم شفاهی)	

کنند به اختیار آنها قرار داد.

۲- برای مطالعه مستقل فرصتی ایجاد

کنند: باید به دانش‌آموزانی که آنقدر بالغ و علاقه‌مند هستند که یک موضوع درسی را مستقلاً دنبال کنند فرصت لازم داده شود. معلم می‌تواند بخشی از وقت دانش‌آموز را به مطالعه مستقل (تحت راهنمایی) اختصاص دهد.

۳- سؤالات را بر مبنای علایق خاص و

تواناییهای افراد به صورت متفاوت طرح
کنند: معلم هنگام هدایت جلسه پرسش و پاسخ شفاهی می‌تواند طبق تواناییهای مختلف ارائه شده در کلاس پیچیدگی سؤالات را بر طرف کند.

۴- تکالیف متفاوتی تهیه کند:

تکالیف ساده‌تر و کمتر را می‌توان برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر و تکالیف مشکل‌تر را برای دانش‌آموزان باهوش‌تر اختصاص داد. می‌توان از بین یک سری تکالیف آنهایی را که مشکل‌تر است جدا کرد و به دانش‌آموزان تیزهوش‌تر داد. برای برانگیختن سریع‌تر یادگیرندگان به انجام تکالیف مشکل‌تر شاید بعضی ابزارهای خارجی لازم باشد، اما اعمال تکالیف پاداشی یا تکالیف امتیازی گاهی مفید است.

۵- هم از منابع مشکل و هم از منابع

ساده و ساده‌تر استفاده کند: منابع یادگیری نباید منحصر به کتاب درسی باشد، بلکه باید متناسب با سطح دانش‌آموزان مختلف مطالب آموزشی اضافی در دسترس باشد. مطالب آموزشی که موضوع درسی مورد مطالعه را به طرق مختلف ارائه می‌دهد باید وجود داشته باشد تا اگر روش کتاب درسی برای دانش‌آموزان قابل فهم نیست بتوانند موضوع درس را از راه دیگری یاد بگیرند.

۶- از منابع یادگیری خارج از کلاس

استفاده کند: معلم می‌تواند از امکاناتی که سایر مراکز آموزشی دارند استفاده کند. از مراکزی که دانش‌آموزان در آنجا بتوانند طبق میل خود مطالعه کنند نیز می‌توان استفاده کرد، باید منابع ارزشمند جامعه به کار گرفته شود.

در انفرادی کردن آموزش، معلم باید شیوه‌های خاص یادگیری دانش‌آموزان را مشخص کند. بعضی از شاگردان به طور شفاهی بهتر یاد می‌گیرند. بعضی‌ها به طور دیداری و بعضی‌ها با لمس کردن. بعضی‌ها برای یادگیری نیاز به سکوت دارند؛ بعضی‌ها اگر سرو صدا و موسیقی باشد بهتر می‌توانند یاد بگیرند. بعضی‌ها نیاز به مطالب واقعی و محسوس دارند و بعضی‌ها مطالب انتزاعی را بهتر درک می‌کنند.

راهنمای آموزشی باید سعی کند تلاش معلمان را برای انفرادی و اختصاصی کردن آموزش به شدت تقویت کند. علی‌رغم اهمیت ارزش انفرادی کردن آموزش، معلمان باید بدانند این روش برای بعضی از مقاصد قابل قبول است، اما گاهی اوقات بهتر است که کل کلاس یا یکدیگر کار کنند و دانش‌آموزان در یک گروه بزرگ آموزش ببینند. به طور خلاصه آموزش در گروه‌های بزرگ، آموزش در گروه‌های کوچک و فعالیتهای یادگیری انفرادی هر یک جایگاه خاص خود را دارند.

نوشته شده استفاده کند. توضیح شفاهی که بر مبنای دستورات نوشته شده باشد کاری را که قرار است انجام شود واضح تر می‌سازد؛ زیرا دانش آموز نه فقط می‌شنود، بلکه تکلیف را می‌بیند و در نتیجه بهتر می‌تواند دستورات را اجرا کند.

۹- معلمان می‌توانند بخشی از وقت کلاس را در اختیار دانش آموزان بگذارند تا تکالیف منزل را شروع کنند. در این صورت معلم می‌تواند در کلاس دور بزند و به دانش آموزان کمک کند و ببیند آیا می‌توانند تکالیف را انجام دهند.

قبل از پایان کلاس معلم می‌خواهد بداند آیا به اهداف درس آن روز رسیده است. شاید در کلیه فعالیت‌های روزانه درس، موفقیت مشهود باشد. در هر حال قبل از اینکه دانش آموزان مدرسه را ترک کنند معلم باید رسیدن به اهداف را ولو به صورتی محدود ارزشیابی کند. این کار را می‌توان با پرسش چند سؤال مختصر (ببینند آیا دانش آموزان درس آن روز را درک کرده‌اند) به انجام رساند و همچنین می‌توان آنها را تشویق به پرسش و پاسخ نمود. اگر گروه هیچ سؤالی نداشته باشد، باید عیبی در کار باشد. مرسوم است که معلمان می‌پرسند، «سؤالی نیست؟» و این همیشه مفید نیست. ممکن است دانش آموزان مطلب را در به اندازه‌های درک نکرده باشند که سؤالات هوشمندانه‌ای بپرسند. آنها ممکن است ندانند چه چیز را نمی‌دانند و بنابراین سؤالی هم نمی‌پرسند. از این گذشته آنها ممکن است خسته یا بی‌علاقه باشند و بخواهند زود از کلاس بروند و درس را ادامه ندهند.

معلم باید حداقل چند دقیقه آخر کلاس را به جمع‌بندی یا پایان درس اختصاص دهد. برای چند لحظه دانش آموزان آنچه را در طول روز دریافت کرده‌اند دوباره بررسی کنند و سعی نمایند مطالب مهمتر را در ذهن خود تثبیت کنند. معلم می‌تواند با مرور نکات اصلی، درس آن روز را جمع بندی کند یا از یکی از دانش آموزان بخواهد تا نکات اصلی را خلاصه کند. معلم باید آنچه را آنها یاد گرفته‌اند یا حداقل انتظار داشته که یاد بگیرند مرور کند. معلم نه فقط کار آن روز را مرور می‌کند، بلکه به یادگیرندگان ارتباط دروس قبلی و دروس بعدی و بویژه درس فردا را نشان می‌دهد. راهنمای آموزشی هنگام بازدید از کلاس باید به جمع بندی درس نیز توجه کند و آن را در عمل مشاهده نماید.

فهرست آرایه درس

بر مبنای اصول بحث شده در صفحات قبلی، فهرستی برای کمک به راهنمایان تعلیماتی تهیه شده تا چگونگی آرایه درس را ارزشیابی کنند. هر چه تعداد مواردی که راهنمای آموزش در مقابل آنها «بلی» بگذارد، بیشتر باشد می‌توان گفت آرایه درس بهتر بوده است. پاسخ‌های «خیر» نشانه آن است که باید گفت و گویی بین راهنمای آموزشی و معلم در این زمینه صورت گیرد.

فهرستی در زمینه آرایه درس

راهنمای آموزشی براساس مشاهدات کلاسی، مواردی را که در آرایه درس مشاهده شده با «بلی» و موارد مشاهده نشده را با «خیر» مشخص می‌کند.

(جداول ۳ و ۴)

کار کنند، ممکن است اشتباه عمل نمایند و نادرست یاد بگیرند که تصحیح آن بعداً مشکل است.

۳- مشکلاتی که ممکن است دانش آموزان در تکلیف داشته باشند، باید پیش بینی شود و معلم برای غلبه بر آنها پیشنهادهایی ارائه دهد. معلم می‌تواند نکات مشکل را مرور کند و دانش آموزان را به منابعی که به آنها کمک می‌کند ارجاع دهد.

۴- تکالیف به علایق و تواناییهای مختلف بستگی داشته باشد؛ در اینجا عنصر انتخاب مطرح است. اگر چه طرح تکالیف چندگانه مشکل تر از یک تکلیف ساده مشابه برای هم است اما تکالیف چندگانه برای تعداد وسیعتری از یادگیرندگان مفید خواهد بود.

۵- تکالیف باید منطقی و متناسب با کار مورد انتظار خارج از کلاس باشد؛ بویژه معلمان دوره متوسطه باید از میزان تکالیفی که به دانش آموزان تحمیل می‌کنند آگاه باشند.

۶- تکالیف نه فقط از جنبه حجم بلکه از نظر نیاز به آنها نیز باید منطقی باشند؛ «کار زیاد» و تکلیف برای تکلیف را نباید از دانش آموزان طلب کرد. کار زیاد بیشتر از آنکه علاقه ایجاد کند، باعث ناامیدی می‌شود. اگر دانش آموز نیازی به انجام تکلیف ندارد نباید از او بخواهیم که آن را انجام دهند.

۷- منابع باید برای تکمیل تکالیف در دسترس باشد؛ معلم نمی‌تواند فرض کند که دانش آموزان منابع لازم را در منزل دارند. بنابراین باید بداند چه منابعی را معرفی کند و محل آنها را به دانش آموزان بگوید.

۸- اگر تکالیف از طریق مسیرهای مختلف حسی ابلاغ شود مفید خواهد بود؛ به جای استفاده از راهنمایی شفاهی، معلم می‌تواند از دستور العمل

جمع‌بندی درس

هر درسی نه فقط باید شروع، بخش میانی و پایانی داشته باشد، بلکه شروع، بخش میانی و پایانی آن نیز باید طراحی شده باشد. انتهای درس باید تحت تسلط معلم باشد نه تحت اختیار صدای زنگ مدرسه. نزدیک به پایان درس معمولاً معلم تکالیف روز بعد را معین می‌کند. راهنمای آموزشی در تحلیل آرایه یک درس نباید مهارت ساختن تکالیف را نادیده بگیرد. شکل متداول تکلیف، دستورات عجزلانه‌ای است که معلم می‌دهد، «فصل بعد را بخوانید»، «صفحات ۱۳۵-۱۱۵ را مطالعه کنید» و «۱۰ مسأله بعدی کتابتان را حل کنید». چنین تکالیفی معمولی هستند و برای یادگیری اثربخش بسیار ساده به نظر می‌آیند. راهنمای آموزشی باید چند نمونه از تکالیفی را که معلمان طی چند روز گذشته به کلاس داده‌اند بازدید کند و آنها را با دستور العمل‌های زیر مطابقت دهد.

۱- تکلیف باید برای تمام دانش آموزان مشخص باشد؛ این بدان معناست که معلم باید در طول درس برای فهماندن مطالب وقت کافی صرف کند. راهنمایی‌ها باید به زبانی باشد که یادگیرندگان آنها را درک کنند. باید زمانی را برای سؤال کردن درباره تکالیف در اختیار دانش آموزان گذاشت.

۲- تکالیف باید در زمینه‌هایی باشد که قبلاً درباره آن آموزش داده شده یا معلم مطمئن باشد که یادگیرنده قادر به انجام آن خواهد بود. اگر تکلیف، اصولی را شامل شود که معلم برای دانش آموزان شرح نداده، بهتر است قبل از روشن شدن موضوع جلوتر نروند. اگر دانش آموزان سعی کنند جلوتر از آموزش

فعالیت‌هایی برای مطالعه بیشتر

۱- مفاهیم زیر را تعریف کنید:

قابلیت عمومی تدریس	طرح سؤال
تعدد محرکها	سؤال سطوح بالاتر
جمع‌بندی	

۲- خطاهای معمول معلم را در آرایه یک درس خلاصه کنید و راه‌هایی را برای غلبه بر این خطاها شرح دهید.

۳- معلمی را در حال آرایه درس مشاهده کنید و از فهرستی که در انتهای این فصل آورده‌ایم برای ارزشیابی او استفاده کنید، پس از مشاهده، بگویید نحوه آرایه درس در ارتباط با هر یک از موارد فهرست تا چه حد اثربخش بوده است.

۴- یک طرح درس ۵۰ دقیقه‌ای بنویسید که مهارت‌های مطالعه شده در این مطلب را در بر داشته باشد.

۵- یک جلسه کوتاه پرسش و پاسخ آماده و هدایت کنید و مشخص نمایید چه مقدار سؤالات سطوح بالاتر را به کار برده‌اید.

۶- یک معلم را در حال هدایت یک جلسه سؤال کردن مشاهده کنید و اثربخشی سؤال کردن و به کار بردن دستور العمل‌های داده شده را ارزشیابی کنید.

۷- یک طرح درس بنویسید و مشخص کنید کجا تنوع فعالیت‌های یادگیری گروهی را دخالت داده‌اید.

۸- یک معلم را در حال آرایه درس مشاهده کنید و مشخص کنید آیا معلم محرک‌های متنوع را به کار برده است، چگونه؟

۹- جمع‌بندی درس را نشان دهید.

۱۰- حداقل دو تکلیف را که معلمان داده‌اند نقد کنید و مشخص کنید آیا هر تکلیف با دستور العمل‌های ارائه شده در این مطلب مطابقت دارد یا ندارد؟